

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۹ مارچ ۲۰۲۳



یونس نگاه

خواب طولانی نیروهای غیرطالب

چند سال بعد از سقوط رژیم اول طالبان، اوضاع در بیشتر بخش‌های افغانستان چنان تغییر کرده بود که خاطرات دوره حاکمیت آن گروه رؤیا [کابوس] و بازگشت آن شرایط ناممکن به نظر می‌رسید. چند تحول همزمان رخ داده بود. اول، اداره‌ای که به تمام امور اجتماعی و خصوصی افراد سرک می‌کشید، امر و نهی می‌کرد و اکثریت نفوس کشور به چشمش بالقوه متهم و تنبیه‌شدنی می‌نمود، جایش را به اداره دیگری داده بود که مشغول امور کلان‌تری چون تقسیم چوکی، ساختن قانون، تقسیم کمک‌ها و تماس با کشورهای خارجی بود و به سرک کشیدن به حریم خصوصی افراد و بافتن زنجیرهای شرعی و عرفی وقت زیادی نمی‌گذاشت. جامعه به وضع نسبتاً طبیعی برگشته و ظرفیت‌های درونی مردم فرصت شکفتن یافته بود. آدم‌ها در سطوح فردی، خانوادگی، محلی و اجتماعی احساس اختیار می‌کردند و به تعقیب خیالات و آرزوهای خود به جنب‌وجوش افتاده بودند. جامعه ساکت و ترسیده، یک بارگی به هلهله و تپیدن افتاده بود.

اتفاق دیگر این بود که خلاف گذشته‌ها با فروریختن نظام استبدادی، جامعه به چنگ خان، ملا، حاجی و قوماندان سقوط نکرد. زورمندان و رهبران مشغول رقابت بر سر منابعی شدند که از بیرون می‌آمد و مالیات و عشر مردم در برابر آن‌ها بسیار ناچیز بود. توجه زورمندان به سمت کابل، پروژه‌ها و سفارت‌خانه‌ها جلب شده بود و آنان از کارگر، دهقان، چوپان، اهل حرفه و دیگر اقشار توده مثل گذشته نان و جنگجوی جبری نمی‌خواستند، بلکه به کسب حمایت محفلی و نمایندگی برای چانه‌زنی و امتیازگیری در مراکز توزیع ثروت و قدرت اکتفاء می‌کردند. مردم بی‌هراس از خشم متنفذان از یکجا به جای دیگر می‌کوچیدند، از یک شغل به شغل دیگر می‌رفتند و فرصت‌های تازه را می‌آزمودند.

اتفاق سومی حمایت جهانی بود. کمک‌های مالی و تبلیغات روانی سال‌های نخست، مردم را امیدوار کرده بود که گویا کشور علاوه بر رهائی از شر زورمندان محلی و حاکمیت استبدادی، از توطئه و زورگوئی قدرت‌های منطقه و جهان نیز آزاد شده است و جهان به سرکردگی ایالات متحده و پوشش ملل متحد، مردم افغانستان را در نجات از بلاهای

تروریسم و گرسنگی یاری می‌رساند. کمک‌ها در شرایطی که در سال‌های نخست بعد از حاکمیت طالبان خلق شده بود، تغییرات محسوسی در محیط و دست‌رخوان میلیون‌ها تن در سراسر کشور به وجود آورد. هنوز مافیاهای فساد همه چیز را انحصار نکرده بودند. در آن شرایط، مرور خاطرات دوران طالبان چون رویای [کابوس] ترسناک به نظر می‌رسید و برگشت آن گروه با همان آجداء به خیال حتا حامیان طالبان هم نمی‌گنجید.

حس پایان مأموریت، بر احزاب و سازمان‌ها غلبه کرده بود. در نتیجه نیروهای سیاسی و بخشی از بدنه جامعه دچار غفلت جبران‌ناپذیر شدند. تصور این‌که زمانه تغییر کرده و پس از این جهان نگاه متفاوتی به افغانستان دارد، بسیاری را فریب داد. سپرهای بسیاری به زمین گذاشته و برنامه‌های کار و پیکار زیادی کنار مانده شد. نوعی خلصه «دموکراتیک» حامیان آزادی و دموکراسی را فرا گرفت و آنانی که اصولاً باید برای ساختن افغانستان نوین از آن فرصت استفاده می‌کردند، در سایه ابرقدرتی که تصور می‌شد برای یک دوره نامعلوم به افغانستان آمده است، پایگاه‌های میلیاردی ساخته و دشمنان ستراتیژیکش را به نبرد فرا می‌خواند، لمیدند. اکنون که دوباره عقب‌مانده‌ترین قشر جامعه بر اریکه قدرت نشسته و زنجیرهای شرعی و عرفی‌اش را بر سراسر زندگی اجتماعی و خصوصی مردم گسترده است و از گرسنگان مالیات، جنگجو و عشر می‌خواهد، میدان سیاست خالی است و سکه‌های سازمان‌ها، احزاب و افرادی که ۲۰ سال خوابیده بودند، ناچل شده است. درک این مسأله برای ازسرگیری کار و پیکار مهم است. برای آنانی که قصد دارند در برابر حاکمیت ضد آموزش، ضد کار، ضد آزادی و ضد زن بایستند، لازم است تا سکه روز سیاست افغانستان را دریابند و به دور افرادی که مشغول مالیدن چشمان خواب‌آلود خودند، نچرخند.